

شخصیت‌پردازی قهرمان زن در رمان‌های شوهر آهو خانم و سوشون

محمد کاظم کهدویی*^۱

مرضیه شیروانی**

چکیده

زنان به‌عنوان شخصیت‌های داستانی همواره در ادبیات حضور داشته‌اند، اما تا قبل از نویسندگی آنان، چهره‌ای که در آثار ادبی از زنان ترسیم شده بود، توسط نویسندگان مرد بوده است. در این آثار کمتر نویسنده مردی را می‌توانیم بیابیم که چهره همه‌جانبه‌ای از زن در آثارش ارائه شده باشد؛ این مشکل با نویسندگی زنان تاحدی رفع شده است، زیرا زنان با توجه به شناخت خود چهره همه‌جانبه‌تری می‌توانند از خود ارائه دهند. در این مقاله به بررسی شخصیت‌پردازی قهرمان زن در دو رمان سوشون (سیمین دانشور) و شوهر آهو خانم (علی محمد افغانی) می‌پردازیم، تا ببینیم در این دو رمان، با توجه به اینکه نویسنده یکی مرد و دیگری زن است، چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی در این مسئله هست.

کلیدواژه‌ها: شخصیت‌پردازی، قهرمان زن، سوشون، شوهر آهو خانم.



مقدمه

شخصیت‌پردازی یکی از عناصر اصلی داستان است که نویسنده از طریق آن می‌تواند به قهرمانان داستانش چهره‌ای واقعی ببخشد؛ رفتار و گفتار هر شخصی باید مطابق با نقشی باشد که در داستان برعهده دارد. واقعی و ملموس جلوه‌دادن شخصیت‌های داستان رابطه تنگاتنگی با میزان شناخت نویسنده از قهرمانانش دارد؛ اینکه هر نویسنده‌ای به حالات و روحيات خود و هم‌جنسان خود آشنایی بیشتری داشته‌باشد، امری پذیرفته‌شده و طبیعی است؛ بنابراین در شخصیت‌پردازی قهرمان زن، می‌توان نویسندگان زن را موفق‌تر دانست، اما زنان نسبت به مردان مدت کمتری است که داستان می‌نویسند، و «تا همین اواخر زن در ادبیات آفریده مردان بود.»^۱ و نویسندگان مرد کمتر توانسته‌اند چهره همه‌جانبه‌ای از زن در آثارشان ارائه بدهند، زیرا اینان

«در آفرینش قهرمانان مذکر می‌توانسته‌اند خلق و خوی خود با دوستان و آشنایان هم‌جنس خود را معیار خلق قهرمانی با خلق و خوهای متفاوت قرار دهند، اما در آفرینش قهرمانان زن، همواره این اشکال اساسی وجود داشته که «به‌واسطه» از جانب زنان سخن گفته‌اند و «به‌واسطه» بیان‌کننده عواطف و احساسات آن‌ها بوده‌اند و این «به‌واسطه بودن‌ها» تا اندازه‌ای از اصالت داستان‌های واقع‌گرایانه آنان کاسته است.»^۲

رمان سوشون و شوهر آهونخام هر دو در دههٔ چهل نوشته شده‌است؛ وقایع رمان شوهر آهونخام سال‌های ۱۳۱۳-۱۳۲۰؛ یعنی سال ورود متفقیان به کشور و آغاز جنگ جهانی دوم را دربرمی‌گیرد و رمان سوشون سال‌های ۱۳۲۰-۱۳۲۴؛ یعنی سال‌های آغازین جنگ جهانی دوم را توصیف می‌کند. در این دو رمان، که دو دورهٔ پشت‌سرهم را به‌تصویر می‌کشد، زنان از شخصیت‌های اصلی هستند. در این مقاله، ابتدا به معرفی شخصیت‌های اصلی زن در دو رمان می‌پردازیم و سپس

شبهات‌ها و تفاوت‌های شخصیت‌پردازی قهرمانان زن این دو نویسنده مرد و زن را بررسی می‌کنیم.

شوهر آهو خانم

یکی از شخصیت‌های اصلی زن رمان، آهو است. آهو زنی است که تمام وقش صرف خانه‌داری و نگاه‌داری از فرزندانش می‌شود. او کاملاً مطیع همسرش است، به طوری که شوهرش سیدمیران درباره او می‌گوید: «زن من مثل یک بره مطیع و بهمان اندازه سلیم‌النفس و سازگار است. هرچه من بگویم غیر از آن را قبول نخواهد کرد.»^۳

او با اجتماع بیرون از خانه ارتباطی ندارد، فقط در ابتدای زندگی که با مشکل مالی مواجه هستند، «خودش خمیر می‌کرد، خودش نیز می‌پخت و می‌فروخت.»^۴ وقتی سیدمیران به او بی‌وفایی می‌کند و با هما ازدواج می‌کند، ضربه روحی سختی می‌خورد. او در عالم واقع نمی‌تواند از حق خود دفاع و در برابر همسر و هویش مقاومت کند، اما در خیالش بارها، با شجاعت هما را از خانه‌اش بیرون می‌کند. آهو از دست دادن شوهر را بر نمی‌تابد، به دوستان شوهرش روی می‌آورد، شاید که آنان بتوانند سیدمیران را به او برگردانند، وقتی نتیجه‌ای نمی‌گیرد به جادو و نذریناز متوسل می‌شود. شوهرش او را تحقیر می‌کند و کتک سختی به او می‌زند، اما باز هم عاشق شوهرش است. «آهو در میان نفرت و خشم سوزان خود از او خوشش آمد، اگر کسی در اطاق نبود بی‌شک می‌دوید و روی زانویش می‌افتاد ... و از گناه نکرده‌اش پوزش می‌خواست.»^۵

او در مقابل بی‌عدالتی‌های همسر و هویش تسلیم می‌شود و تصمیم می‌گیرد مانند همسایه بی‌آزاری در آن خانه زندگی کند، اما وقتی می‌شنود سیدمیران می‌خواهد برای همیشه او و بچه‌هایش را ترک کند، بی‌تفاوتی را کنار می‌گذارد و با جسارت تمام، شوهرش را به خانه برمی‌گرداند.

یکی دیگر از شخصیت‌های اصلی زن در رمان شوهر آهوخانم، هما است؛ هما زنی بی‌پرواست و چندان به اوضاع زن در جامعه آن روز توجه نمی‌کند. شیوه آزادوار هما در زندگی با انتظاراتی که همسرش، حاجی‌بنا، از او به‌عنوان یک زن خانه‌دار دارد در تناقض است. هما با علاقه‌مند نشان‌دادن خود به مردی دیگر، از خانه فرار می‌کند و از شوهرش طلاق می‌گیرد. او در پی علایق خود به دسته رقص حسین‌خان مطرب می‌پیوندد، اما چون زندگی آرامی ندارد، به‌دنبال سرپناه با سیدمیران آشنا می‌شود و با او ازدواج می‌کند. او می‌خواهد زن آزادی باشد، و تحت تأثیر هرچیز نو و جدیدی است که می‌بیند یا می‌شنود. با آغوش باز کشف حجاب را می‌پذیرد، زیرا که با علایقش هم‌خوانی دارد، کارها و رفتارهای او زنان اطرافش را به تعجب وامی‌دارد، و باعث می‌شود تا دیگران او را دارای سلامت اخلاق ندانند. او در راه زن‌روز بودن، سیدمیران را نیز با خود همراه می‌کند. شیوه لباس‌پوشیدن سیدمیران تغییر می‌کند و دیگر چندان به اعتقادات مذهبی‌اش پای‌بند نیست. هما در آخر رمان، سیدمیران را ترک می‌کند و با یکی از عشاق قبلی‌اش از شهر می‌رود. دیگر زنان رمان، چندان حضوری در رمان ندارند و بیشتر در ارتباط با آهو و هما است که شناخته می‌شوند، و از روحيات و دغدغه‌های ذهنی آنان، اطلاعاتی به خواننده داده نمی‌شود. یکی از این زنان، نقره است که شوهرش بی‌کار است و برای شوهرش به‌دنبال کار می‌گردد. دیگری خورشید که برای کارکردن به مغازه اطوکشی می‌رود و گاهی واسطه‌ای است بین هما و آهو. اکرم که زن همیشه خندانی است و بچه‌دار نمی‌شود و از شوهرش حساب می‌برد.

سروشون

شخصیت اصلی زن در رمان سروشون، زری است. زری زنی تحصیل‌کرده است که در مدرسه انگلیسی‌ها درس خوانده‌است. او عاشق شوهر و فرزندان‌ش است و این وابستگی از او زنی مطیع و ترسو ساخته‌است. شوهرش، یوسف، یکی از خوانین

منطقه فارس است که حاضر نیست با انگلیسی‌ها مدارا کند و محصولات مزرعه‌اش را به آن‌ها بفروشد، این مخالفت که عاقبت به قیمت ازدست‌دادن جانش تمام می‌شود زری را می‌ترساند. زری نمی‌خواهد جنگ و ناامنی بیرون به داخل خانه‌اش کشیده شود؛ «زری گریه‌کنان گفت: هرکاری می‌خواهند بکنند، اما جنگ را به لانه من نیاورند ... شهر من، مملکت من همین خانه است.»^۶ او برای زندان و دیوانه‌خانه نذری می‌برد، اما با قحطی و بیماری‌ای که در شهر شایع شده زری

«به بیهودگی نذرش می‌اندیشد و حرف‌های یوسف در گوشش بود که فایده خیرات و میرات تو چیست؟ کار از اساس خراب است. اما هرچه به مغزش فشار می‌آورد نمی‌دانست چه باید کرد که اساس کار درست بشود، راه‌حلهایی هم که یوسف پیشنهاد می‌کرد، چنان به نظر او خطرناک می‌آمد که حتی از فکرش چندشش می‌شد.»^۷

زری با مخالفت‌های شوهرش مدارا می‌کند تا او را ازدست ندهد، در جشن عقدکنان دختر حاکم، گوشواره‌هایش را به‌رغم میل خود به دختر حاکم می‌بخشد؛ یا اسب پسرش، خسرو را که بسیار به آن علاقه‌مند است برای دختر کوچک حاکم می‌فرستد، اما شوهرش به او سیلی می‌زند و او را ترسو خطاب می‌کند. بعد از آن زری در میان شجاعت و ترس در نوسان است، تا زمانی که شوهرش به شهادت می‌رسد و او تصمیم می‌گیرد شجاع باشد. عمه‌خانم یکی دیگر از شخصیت‌های زن رمان است. او ترس‌ها و دغدغه‌های زری را ندارد، شاید به دلیل اینکه وابستگی‌های زری را ندارد. او در مقابل برادرش ابوالقاسم خان، که با انگلیسی‌ها همکاری می‌کند، می‌ایستد و می‌گوید: «خواهر بزرگ‌تر همه‌تان هستم و حق دارم دلالتان بکنم. راهی که می‌روی درست نیست.»^۸ اما در ماجرای دادن اسب خسرو به دختر حاکم کوتاه می‌آید و برای فرار از این وضعیت می‌خواهد شهر را ترک کند؛ «شده است شهر سگساران ... من که می‌گذارم و از این ولایت می‌روم. می‌روم مثل مرحوم بی‌بی‌ام کربلا مجاور می‌شوم.»^۹ به دلیل مرگ فرزندش

به تریاک روی آورده‌است و می‌گوید: «وقتی بچه مرد ... تو آن باغ ... می‌دانستم مرده اما بغلش کردم و تا سردزک دویدم، بچه شش ساله. اگر حالا بود ... کی فکر تریاک بود و از بی‌تریاک‌ی ریشه می‌افتاد به تمام تنش؟»^{۱۰}

عزت‌الدوله زن ثروتمندی است که ارتباط نزدیکی با خانه حاکم دارد، به دلیل اینکه زری زن پسرش نشده از او کینه به دل گرفته‌است و به عمه‌خانم می‌گوید: «اگر عروس شما نشده بود، خاندانش را برمی‌انداختم.»^{۱۱} هم اوست که با ترفند گوشواره‌های زری را برای دختر حاکم می‌گیرد.^{۱۲} شوهرش به او هیچ علاقه‌ای نداشته است. «وقتی دعوایمان می‌شد، می‌گفت تو چشمت چپ است. تو را به من انداخته‌اند. می‌گفت دوست ندارم، اما نمی‌خواهم به پسرم توهین بشود که بگویند مادرش مطلقه است. و من بدبخت، احمق، جانم برایش درمی‌رفت.»^{۱۳}

شوهرش به او خیانت می‌کند و درمقابل چشمانش با زنان دیگر ارتباط دارد، اما کاری از دست او برنمی‌آید و خودش از آنان در خانه‌اش پذیرایی می‌کند. فردوس، کلفت خانه عزت‌الدوله است که در خانه او مورد تجاوز قرار گرفته و به ازدواج اجباری با کل‌عباس، خدمتکار خانه راضی شده‌است. کینه عزت‌الدوله را به دل گرفته و در پی انتقام است، و نه فردوس، که با دخترش در خانه عزت‌الدوله زندگی می‌کند، به او در کار قاچاق کمک می‌کند. سودابه، زنی رقاص است که به‌عنوان زن دوم پدر یوسف، وارد خانه او می‌شود، اما زن رسمی او نمی‌شود. عمه‌خانم می‌گوید: سودابه «آخر هم زن پدر من نشد. می‌گفت همین طوری راحت‌تر است، البته او بی‌بی را آواره کرد و خیلی خون به دل بی‌بی کرد.»^{۱۴} یکی دیگر از شخصیت‌ها، خانم فتوحی است. او قبل از اینکه بیمار شود، «دست به قلمش خوب بود و مقاله‌هایی درباره حقوق زن و علیه مظالم مرد در روزنامه‌های محلی می‌نوشت و مجله‌ای را هم راه می‌برد که در آن دختران را به بیداری می‌خواند.»^{۱۵}

شباهت شخصیت پردازی قهرمان زن در دو رمان

هر دو نویسنده در این رمان‌ها سعی کرده‌اند چهره زن ایرانی را ترسیم کنند و دغدغه‌های او و ظلمی را که بر او می‌رود را نشان دهند.

«در رمان شوهر آموختنم، هم زنی که هووی زن دیگری شده و هم زنی که شوهرش هوو برسر او آورده، هر دو مظلومند و هیچ‌یک آزادی و اختیاری از خود ندارند و هر دو مجبورند که به خوب و بد مردشان بسازند و مثل کنیزی از او اطاعت کنند و به خواست‌های او تن بدهند و دم نزنند.»^{۱۶}

و در رمان سووشون، زری

«زنی است که در وضعیتی آشوب‌زده در فکر آرام نگه‌داشتن محیط خانه خویش است، همه زنان سووشون، حتی چهره‌های منفی چون عزت‌الدوله، هریک به‌نوعی وجوه گوناگون ستم‌دگی، بی‌پناهی، ناکامی، فداکاری و تحمل زن ایرانی را به نمایش می‌گذارند.»^{۱۷}

از این رو در میان برخی شخصیت‌های هر دو رمان، شباهت‌هایی دیده می‌شود؛ برای مثال زری و آهو، هر دو زنی خانه‌دار هستند که به شوهر و فرزندان‌شان عشق می‌ورزند، هر دو ارتباط محدودی با دنیای اطراف خود دارند و در کارهای مخصوص به شوهر دخالتی داده نمی‌شوند، و اگر زری گاهی سعی می‌کند بدانند در مجالس مردانه خانه‌اش چه خبر است، این اجازه به او داده نمی‌شود. «یوسف رو به زری گفت: سری به مهمان غریب ما بزن، می‌زنی؟ می‌دانست که محترمانه عذرش را خواسته‌اند.»^{۱۸} و آهو بعدها متوجه می‌شود که شوهرش زمین و باغ را فروخته و تمام دارایی‌اش را از دست داده‌است. هر دو زن باید آرامش همسر خود را فراهم کنند؛ سیدمیران وقتی همه اموال خود را از دست می‌دهد و از کارهای هما به‌ستوه می‌آید برای آهو درددل می‌کند.^{۱۹} یوسف وقتی دل‌گیر می‌شود به زری پناه می‌آورد. «یوسف گفت: برای همین آمدم شهر که به تو بگویم همه کارهایم را زمین گذاشتم و آمدم که برایت درددل

کنم.»^{۲۰} و هردو شخصیت، بعد از جدایی از همسر شجاع می‌شوند. آهو وقتی تصمیم می‌گیرد بی‌تفاوتی را کنار بگذارد که قرار است همسرش برای همیشه او را ترک کند و زری نیز وقتی یوسف را برای همیشه از دست می‌دهد شجاع می‌شود؛ یا بین هما و سودابه نیز شباهت‌هایی هست؛ اینکه هردو رفاص هستند، هردو به‌عنوان زن دوم، وارد خانه مردی می‌شوند و زندگی زن اول را مختل و حقوقش را از او می‌گیرند. سودابه هیچ‌وقت زن رسمی پدر یوسف نمی‌شود و هما یک‌سال بدون اینکه زن رسمی سیدمیران باشد با او زندگی می‌کند.

تفاوت شخصیت‌پردازی قهرمان زن در دو رمان

تنوع شخصیت‌ها

در رمان شوهر آهونختم با دو نوع شخصیت زن مواجه هستیم. در یک طرف، هما، نمونه یک زن گستاخ و بی‌پرواست که می‌خواهد آزاد باشد و در این راه گاه تاحد وقیح بودن هم پیش می‌رود؛ و در طرف دیگر، آهو و تمام زنان همسایه‌اش قرار دارند که همگی زنانی نجیب و مظلوم هستند. در رمان سووشون تنوع شخصیت بیشتری به چشم می‌خورد. یکی از ویژگی‌های مشخص سووشون «غنا و تنوع شخصیت‌های زنانه» آن است.^{۲۱} زری، نمونه یک زن تحصیل‌کرده و نجیب است که به سیاست هم می‌اندیشد. عمه‌خانم، زنی با صراحت‌لهجه و شجاع؛ عزت‌الدوله زنی بدذات و درعین حال مظلوم واقع‌شده، فردوس و ننه‌فردوس زنانی بی‌دفاع و موردظلم قرارگرفته و سودابه زنی بی‌پروا و گریخته از هنجارهای معمول جامعه است.

طبقه اجتماعی زنان

زنانی که در رمان شوهر آهونختم حضور دارند، غالباً از طبقه متوسط جامعه هستند؛ آهو، هما، هاجر، شیرین‌جان خانم و مادام ارمنی و ... همه از طبقه متوسط

هستند و گروه دیگر از طبقه فقیر و فرودست که به سختی روزگار می‌گذرانند، مانند نقره، خورشید، صفیه بانو، نازیری و

در رمان سووشون هم فقط دو طبقه زن حضور دارند. طبقه بالا و مرفه، و طبقه زیردست و خدمتکار. «اصولاً زن‌ها در آثار دانشور، اغلب به دو طبقه متمایز از هم تقسیم می‌شوند، زنان طبقه بالا و مرفه‌الحال، و زنان زحمت‌کش و زیردست و محروم و اغلب کلفت‌جماعت که خدمت زنان طبقه بالا را می‌کنند.»^{۲۲} بنابراین زندگی زنان طبقه متوسط در رمان سووشون به چشم نمی‌خورد و این به دلیل این است که نویسنده با این گروه از زنان کمتر دم‌خور بوده است.

تحول شخصیت‌های اصلی

جریان تحول شخصیت اصلی زن در رمان سووشون بیشتر ملموس است. «درطول حوادث و جدایی دایمی»^{۲۳} تحول زری آرام‌آرام شکل می‌گیرد. زری از لحظه‌ای که از یوسف سیلی می‌خورد، بین شجاع بودن یا مدارا کردن در نوسان است. ایستادگی در برابر عزت‌الدوله برای نرساندن پیغام او به ننه‌فردوس در زندان و در همان حال ترجیح دادن سلامتی کودکانش بر شجاعت یا صراحت‌لهجۀ او با آقای فتوحی، که انصرافش را از همکاری با یوسف اعلام می‌کند؛ همه و همه او را برای تحول آخر رمان آماده می‌کند. در رمان شوهر آهونخام، در شخصیت هما تحولی صورت نمی‌گیرد، او زندگی خود را رها و از آن اوضاع فرار می‌کند، و آهو ناگهان تصمیم می‌گیرد که سازش و کوتاه آمدن در مقابل همسر و هوویش را کنار بگذارد.

فکر و عمل شخصیت‌ها

در رمان سووشون فکر و عمل شخصیت‌ها در راستای هم است؛ یعنی هر شخصیت، همان‌طور که فکر می‌کند، عمل می‌کند. زری نمی‌خواهد انسان موردعلاقه‌اش را



از دست بدهد. پس به خاطر او مدارا می‌کند، از گوشواره‌هایش می‌گذرد، اسب پسرش را برای دختر حاکم می‌فروشند، یا از عزت‌الدوله پذیرایی می‌کند. عمه‌خانم با انگلیسی‌ها دشمن است، از این رو در برابر ابوالقاسم‌خان، برادرش، که به آنان خدمت می‌کند، می‌ایستد. عزت‌الدوله کینه زری را به دل دارد؛ بنابراین در پی راه‌هایی است که به او ضربه بزند. در رمان شوهر آهوخانم، فکر و عمل آهو هم هماهنگ است. او نمی‌خواهد هما در خانه‌اش باشد، و نمی‌خواهد شوهرش را از دست بدهد، سپس به کارهای مختلفی، مثل متوسل شدن به این‌وآن، گریه‌زاری و ... روی می‌آورد. اما کارهایی که هما می‌کند، چندان با آنچه که در فکرش می‌گذرد هماهنگ نیست. هما می‌اندیشد که با سیدمیران آینده‌ای ندارد، زیرا هم پیر است و هم زن و بچه دارد، و در همان حال هواخواه جوان و مجردی دارد، اما باز هم زندگی با سیدمیران را برمی‌گزیند و در این راه سختی‌های زیادی را متحمل می‌شود.

ذهنیت شخصیت‌های زن

پرداختن به آنچه در دوران شخصیت‌های زن می‌گذرد، آن هم یک زن ایرانی، در رمان سووشون بیشتر به چشم می‌خورد. زری از یک طرف زنی خانه‌دار است و عاشق همسر و فرزندان و هر کاری می‌کند تا آرامش را در خانه حفظ کند، و از طرف دیگر همسرش کارهای او را رد می‌کند و به او سیلی می‌زند و می‌گوید: «در غیابم فقط یک مترسک سر خرمنی!»^{۲۴} زری به فکر فرومی‌رود «که آیا واقعاً ترسو بوده یا ترسو شده؟ و آیا واقعاً یوسف مقصر است؟ حتی یک‌آن به این نتیجه رسید که زندگی زناشویی از اساس کار غلطی است.»^{۲۵} و حتی به این فکر می‌کند که درست نیست او این قدر وابسته یک مرد و چند بچه باشد، «اما می‌دید که تمام لذت‌های عمر خودش به این دلبستگی‌ها وابسته است.»^{۲۶}

دانشور می گوید:

«به نظر من سیمای زن را زن باید طرح کند، کار من هم نشان دادن ذهنیت زن ایرانی است و آن هم نه فقط زن روشن فکر و باسواد ایرانی. من به طبقات خیلی پایین هم رفته‌ام.»^{۲۷} «در رمان شوهر آهوخانم، ترس و دلهره و تشویش‌های آهو به خوبی نشان داده شده است، اما در مورد هما نویسنده نمی تواند از یک سو به قضاوت کردن چشم پوشی کند و روحیات و دردهای روانی هما را به وضوح نشان نمی دهد و به درون ذهنیات او وارد نمی شود.»^{۲۸}

گفت و گو

گفت و گو عنصری است که شخصیت‌ها را معرفی می کند.^{۲۹} حرف زدن هر شخصیت با شخصیت دیگر متفاوت است، و مشخص می کند که شخصیت داستان چه نوع ویژگی‌هایی دارد، یا پایگاه اجتماعی او چیست. در رمان شوهر آهوخانم

«نویسنده با زبان روشن فکرائه خود و معلومات خود، به جای شخصیت‌های رمان حرف می زند. به همین دلیل در کتاب، گاهی بی سواد و عامی، روشن فکر و آگاه همه مثل هم حرف می زنند و کتاب پر از کلمات قصار فیلسوفان ایرانی و خارجی و افکار شخصیت‌های مذهبی و اجتماعی است.»^{۳۰}

برای مثال: هما زن روستایی است که نه سواد خواندن دارد و نه نوشتن و می گوید:

«... مانند فارق یا نمی دانم طارق در جنگ اسپانیا همه پل‌های عقب را خراب کرده بودم ... اگر عشقش را می پذیرفتم حیثیت از دست رفته خود را غسل تعمید می دادم.»^{۳۱}

اما در رمان سووشون، هر شخصیت مطابق با پایگاه و دانشی که دارد حرف می زند. عمه خانم که زن بی سواد است، در راستای دانش خود می گوید: «من که می گذارم و از این ولایت می روم. داشپورت، (پاسپورت) می خواهیم برای چه؟ قاچاقی می روم.»^{۳۲}

زاویه دید

زاویه دید شیوه‌ای است که نویسندگان با آن داستان را روایت می‌کند. البته زاویه دیدی که نویسنده انتخاب می‌کند بر عناصر دیگر داستان از جمله شخصیت‌پردازی تأثیر می‌گذارد.^{۳۳} زاویه دید در شوهر آهوخانم، زاویه دید بیرونی به شیوه دانای کل است، که نویسنده از بیرون بر تمام کارهای شخصیت‌هایش احاطه دارد و از سرنوشت آنان آگاه است.

«انتخاب زاویه دید در داستان زنان اغلب به صورتی است که بیش و نگرش زنان را نمایش می‌دهد. نویسندگان زن اگر از شیوه روایی دانای کل استفاده کرده‌اند نگاه زنانه خود را از آن طریق منتقل کرده و در شیوه روایت اول شخص؛ یعنی راوی- قهرمان هم به‌رحال بیش و نقطه‌نظر شخصیت اول است که بیان می‌شود.»^{۳۴}

سوشون با زاویه دید بیرونی، به شیوه دانای کل محدود به ذهن زری، روایت می‌شود و شخصیت‌های دیگر داستان از دید زری است که شناخته می‌شوند.

نتیجه‌گیری

هر نویسنده در آفرینش قهرمان هم‌جنس خود موفق‌تر عمل کرده‌است. علی‌محمد افغانی، آنجاکه آشنایی بیشتری با قهرمان زن خود داشته، بهتر توانسته‌است چهره واقعی و روحیات او را نشان دهد؛ مثلاً در مورد آهو و دغدغه‌های او موفق عمل کرده‌است، اما از آنجاکه این آشنایی نمی‌تواند همه‌جانبه و کامل باشد، او هم در آفرینش قهرمانان زن خود نتوانسته‌است از یک‌سویه‌نگری در امان باشد؛ مثلاً در مورد هما، خود نویسنده هم تصمیم نگرفته‌است که او چه زنی است و هما بین نجیب و وقیح بودن در نوسان است، اما سیمین دانشور چون از تجربه‌های مشترک زنان نوشته‌است؛ یعنی آنچه که خود احساس کرده یا می‌تواند احساس کند، چهره واقعی تری از زن در رمانش ارائه داده‌است. نحوه شخصیت‌پردازی؛ یعنی استفاده از

عناصری که بر شخصیت‌پردازی تأثیر می‌گذارد؛ مانند زاویه دید، گفت‌وگو و واقعی‌بودن قهرمانان و ... در سووشون به‌گونه‌ای است که شخصیت‌ها را پذیرفتنی‌تر و همه‌جانبه‌تر مطرح کرده‌است.



پی‌نوشت‌ها

- ۱- وولف، ویرجینیا: «زن و ادبیات فارسی»، مندرج در مجله زن و ادبیات، ص ۲۶.
- ۲- جلالی پندری، یدالله: مقدمه بر زنان در داستان، ص ۱۳.
- ۳- افغانی، علی محمد: شوهر آهوخانم، ص ۱۶۲ و ۱۶۳.
- ۴- همان، ص ۶۹.
- ۵- همان، ص ۳۲۷.
- ۶- دانشور، سیمین: سووشون، ص ۱۹.
- ۷- همان، ص ۱۱۱.
- ۸- همان، ص ۲۳.
- ۹- همان، ص ۶۱.
- ۱۰- همان، ص ۷۳.
- ۱۱- همان، ص ۸۹.
- ۱۲- همان، ص ۹۱.
- ۱۳- همان، ص ۱۹۳.
- ۱۴- همان، ص ۷۳.
- ۱۵- همان، ص ۱۰۹.
- ۱۶- میرصادقی، جمال: داستان‌نویس‌های نام‌آور معاصر ایران، ص ۱۴۰ و ۱۴۱.
- ۱۷- میرعابدینی، حسن: صد سال داستان‌نویسی در ایران، ص ۴۷۶.
- ۱۸- دانشور، سیمین: همان، ص ۱۹۴.
- ۱۹- افغانی، علی محمد: همان، ص ۶۱۷-۳۳.
- ۲۰- دانشور، سیمین: همان، ص ۱۱۴.
- ۲۱- دستغیب، عبدالعلی: «سیمین دانشور و رمان سووشون»، ادبیات داستانی، ص ۴۳.
- ۲۲- میرصادقی، جمال: همان، ص ۱۰۱ و ۱۰۲.
- ۲۳- آرمین، منیژه: «جایگاه زن در قصه معاصر»، پیام زن، ص ۴۶.
- ۲۴- دانشور، سیمین: همان، ص ۱۲۰.
- ۲۵- همان، ص ۱۳۳.
- ۲۶- همان.
- ۲۷- دهباشی، علی: بر ساحل جزیره سرگردانی (جشن‌نامه دکتر سیمین دانشور)، ص ۹ و ۱۰.



۲۸- باقری، نرگس: *زنان در داستان*، ص ۲۸۶.

۲۹- میرصادقی، جمال: *عناصر داستان*، ص ۴۶۳.

۳۰- _____: *داستان‌نویس‌های نام‌آور معاصر ایران*، ص ۱۳۸.

۳۱- افغانی، علی محمد: همان، ص ۹۷.

۳۲- دانشور، سیمین: همان، ص ۶۳.

۳۳- میرصادقی، جمال: همان، ص ۳۸۵.

۳۴- حسینی، مریم: «روایت زنانه در داستان‌نویسی زنانه»، کتاب *ماه ادبیات و فلسفه*، ص ۹۶.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- افغانی، علی محمد: *شوهر آهو خانم*، چ ۱۴، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۳.
- باقری، نرگس: *زنان در داستان*، تهران: مروارید، ۱۳۸۷.
- جلالی پندری، یدالله: *مقدمه بر زنان در داستان*، تهران: مروارید، ۱۳۸۷.
- دانشور، سیمین: *سووشون*، تهران: خوارزمی، ۱۳۵۳.
- دهباشی، علی: *بر ساحل جزیره سرگردانی* (جشن‌نامه دکتر سیمین دانشور)، تهران: سخن، ۱۳۸۳.
- میرصادقی، جمال: *داستان‌نویس‌های نام‌آور معاصر ایران*، تهران: اشاره، ۱۳۸۲.
- _____: *عناصر داستان*، چ ۳، تهران: سخن، ۱۳۷۶.
- میرعابدینی، حسن: *صد سال داستان‌نویسی در ایران*، چ ۲، تهران: تندر، ۱۳۶۹.
- نجم عراقی، منیره و دیگران: *زن و ادبیات*، سلسله پژوهش‌های نظری درباره مسائل زنان، چ ۲، تهران: چشمه، ۱۳۸۵.
- آرمین، منیژه: «جایگاه زن در قصه معاصر»، پیام زن، ش ۳۰، شهریور ۱۳۷۳.
- حسینی، مریم: «روایت زنانه در داستان‌نویسی زنانه»، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، س ۸، ش ۹۳، تیر ۱۳۸۴. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- دستغیب، عبدالعلی: «سیمین دانشور و رمان سووشون»، ادبیات داستانی، س ۲، ش ۱۷، اسفند ۱۳۷۲.
- وولف، ویرجینیا: «زن و ادبیات فارسی»، مندرج در زن و ادبیات، تهران: چشمه، ۱۳۸۵.